

علی اشرف صادقی

التقای مصوتها و مسئله صامتهای میانجی در زبان فارسی

مقدمه

یکی از ویژگیهای آوانی زبان فارسی که هنوز به طور جدی بررسی نشده است مسئله صامتهای میانجی و شرایط کاربرد آنهاست. صامت میانجی به صامتی گفته میشود که در روی زنجیر گفتار برای جدا کردن دو مصوت که معمولاً اولی در پایان تکواژ قبلی و دومی در آغاز تکواژ بعدی قرار دارد به کار میرود. برخورد دو مصوت به این صورت در اصطلاح التقای مصوتها^۱ نامیده میشود. ویژگی صامتهای میانجی در این است که در زبان تقریباً در تقابل با هیچ واج دیگری قرار نمیگیرند و در نتیجه، تمایز معنایی ایجاد نمیکند. به بیان دیگر صامتهای میانجی وابسته به محور همنشینی^۲ یعنی زنجیر گفتار هستند و شرایط آوایی و صرفی واحدهای حاضر در کلام، یعنی واجها، به گونه‌ای است که حضور آنها را به کلام تحمیل میکند و گوینده در انتخاب آنها دخالتی ندارد، برعکس واجها که با انتخاب و آگاهی گوینده انتخاب میشوند و به همین سبب موجب تمایز معنایی میگردند. از دیدگاه واج شناسی مکتب پراگ و بعضی مکاتب دیگر این گونه عناصر که گوینده در انتخاب آنها دخالتی ندارد واج

1. hiatus

2. syntagmatic axis

به‌شمار نمی‌آیند و در قلمرو و آواشناسی (فونتیك) قرار می‌گیرند. به همین سبب واج‌شناسان وابسته به این مکتبها به این گونه عناصر آوایی و بطور کلی به عناصر وابسته به محور همنشینی کمتر توجه کرده و یا آنها را تحت الشعاع عناصر وابسته به محور جانشینی^۳ یا واجها قرار داده‌اند.

برعکس واج‌شناسان پراگ، ج. آر. فرث^۴ استاد در گذشته زبان‌شناسی دانشگاه لندن و عده‌ای از پیروان او در انگلستان به این مبحث توجه خاص کرده و نظریه جدیدی به‌دست داده‌اند که به «تحلیل نوائی» یا «بررسی چند نظامی»^۵ مشهور است. پیروان این نظریه نظریه واج‌شناسی مکتب پراگ را که عمدتاً به بررسی واجها و تقابلهای آنها در مواضع مختلف گفتار می‌پردازد و عناصری را که به زنجیر گفتار تعلق دارند و در نتیجه دارای نقش ساختی اند مسکوت گذاشته یا کمتر به آن توجه کرده‌اند، مورد انتقاد قرار می‌دهند و این نظریه را واج‌شناسی واجی^۶ مینامند. پیروان این نظریه معتقدند که بررسی عناصر آوایی زبان باید دارای دو بخش باشد. یکی واجها که آنها را «واحد‌های واجی»^۷ نامیده‌اند، و دیگر «نواها» یا «واحد‌های هموندی»^۸ که متعلق به زنجیر گفتارند. نواها ویژگیها یا عناصری هستند که در زنجیر گفتار به واحدهای بزرگ‌تر از واج که در این نظریه ساخت^۹ نامیده میشوند تعلق دارند اما غالباً در کنار واجها قرار نمی‌گیرند بلکه همراه با آنها هستند، یا بر روی ساختها جای دارند و یا رابطه میان ساختها را نشان می‌دهند. این ویژگیها و عناصر عبارت‌اند از ویژگیهای آغاز و پایان هجاها، هماهنگی مصوتها، لبی‌شدگی، کامی‌شدگی، غنه‌شدگی (این سه پدیده تحت شرایطی خاص)، عناصر مرزما، آهنگ، تکیه، نواخت، کشش و غیره. ویژگیها و عناصر یادشده به هجا، گروه هجاها، تکواژ، کلمه، گروه‌های نحوی و جمله که هر يك ساخت به‌شمار می‌روند و همه به محور همنشینی یا زنجیر گفتار تعلق دارند وابسته‌اند.

آواهای میانجی، از آنجا که در مرز میان دو هجا ظاهر میشوند و در نتیجه به واحدهای بزرگتر از واج تعلق دارند، نوا یا عنصر هموندی شمرده میشوند و میتوانند از این دیدگاه بررسی گردند. به نظر نگارنده مبحث آواهای میانجی با نظریه واج‌شناسی واجی نیز غیر قابل تلفیق نیست. این مبحث در این نظریه باید جزء مبحث ساختمان هجا، در بخش مربوط به ترکیب هجاها قرار گیرد و از آواهای میانجی به‌عنوان عناصر آوایی (فونتیکی) که ترکیب

3. paradigmatic axis

4. J.R. Firth

5. prosodic analysis, polysystemic approach

6. phonemic phonology

7. phonematic units

8. prosodies. اصطلاح «واحد هموندی» از دکتر علی محمد حقیقت‌شناس است.

9. structure

هجاها با شرایطی خاص حضور آنها را اجباری میسازد یاد شود.^{۱۰} پدیدار شدن آوهای میانجی جنبه‌ای از پدیده کلی تری است که در اصطلاح آواشناسان epenthesis و گاه anaptyxis گفته میشود.

از میان آوهای میانجی، در این گفتار ما به بررسی صامتهای میانجی پرداخته‌ایم. از آنجائی که در زبان فارسی معمولاً هیچ هجائی با مصوت آغاز نمیشود بحث صامتهای میانجی در این زبان به ظاهر منتفی به نظر میرسد. اما اگر توجه داشته باشیم که تعدادی از تکواژهای پی چسب مانند *i*-نکره و *-ast* و سایر صیغه‌های پی چسب فعل «بودن» و نیز پسوندهای صرفی و اشتقاقی مانند *-ân* جمع و *i*-نسبت و *-e* اضافه و غیره وجود دارند که به سبب عدم استقلال و وابسته بودنشان به کلمات قبل از خود همیشه با مصوت شروع میشوند، مسئله التقای مصوتها در فارسی نیز مورد پیدا میکند. افزون بر این گاهی نیز در ترکیبات، همزه آغازی جزء دوم ترکیب- در صورتی که با مصوت آغاز شده باشد- حذف میگردد و موجب رویارویی دو مصوت میگردد. همچنین در نتیجه تحول زبان، در پاره‌ای موارد يك صامت از میان يك تکواژ حذف میشود و موجب التقای مصوتها میگردد. در کلیه این موارد زبان با استفاده از يك صامت میانجی التقای مصوتها را از میان میبرد. ماهیت صامت میانجی وابسته به یکی از شرایط سه‌گانه زیر است: ۱- شرایط آوایی مصوتهای رویاروی؛ ۲- شرایط صرفی - آوائی تکواژهای درگیر؛ ۳- شرایط صرفی تکواژهای درگیر.

منظور از شرایط آوائی حاکم بر شکل صامت میانجی، ماهیت مصوتهایی است که رو در روی هم قرار گرفته‌اند. گرد یا گسترده بودن مصوتهای رو در رو مهمترین عامل تعیین کننده شکل آوایی صامت میانجی است. در غالب موارد صامتهای میانجی از نظر شکل آوایی با

۱۰. درباره نظریه معروف به «تحلیل نوائی» رك. مآخذ زیر:

J.R. Firth, 'Sounds and Prosodies', in F.R. Palmer (ed.), *Prosodic Analysis*, London: Oxford University Press, 1970, pp. 1-26;

R.H. Robins, 'Aspects of Prosodic Analysis', *op. cit.*, pp. 188-200;

و نیز مقدمه پالمیر بر همان کتاب، ص ix-xvi، و دیگر مقاله‌های آن مجموعه و نیز مقاله‌های چهارم تا نهم مجموعه زیر: *Studies in Linguistic Analysis*, special volume of the Philological Society, Oxford: Basil Blackwell, 1957,

و همچنین مقاله دکتر علی محمد حقشناس با عنوان «دستگاههای چند گانه مصوت در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی [دانشگاه تهران]، سال ۲۳، شماره ۴، ۲۵۳۵، ۱۳۵۵، ص ۹۹-۸۲ که در آن پس از شرح نظریه مورد بحث به بررسی مصوتهای فارسی از این دیدگاه پرداخته است و نیز مقاله «نقشهای دوگانه همزه در ساخت آوائی زبان فارسی» از همو در پژوهشنامه فرهنگستان زبان ایران، شماره ۳، آبان ۱۳۵۷، ص ۲۳-۵۷ که ضمن شرحی درباره این نظریه به بررسی تلفظ و نقش همزه در فارسی معاصر پرداخته است.

مصوت‌های رو در رو تناسب دارند.

از وضع صرفی تکواژهای درگیر، مراد ماهیت صرفی تکواژهایی است که در مورد آنها التقای مصوت‌ها وجود دارد. شرایط صرفی گاهی موجب میشود که صامت میانجی شکل آوایی دیگری غیر از آنچه از بافت آوایی کلام پیش بینی میشود داشته باشد. مثلاً التقای دو مصوت گسترده مانند *i* و *e* وجود يك صامت میانجی متناسب با آنها را پیش بینی میکند اما کلماتی مانند «خسته» و «تشنه» که به مصوت *e*- ختم میشوند هنگام ترکیب با *i*- مصدری با صامت میانجی *-g* همراه میگردند که هیچگونه تناسب آوایی با این مصوت‌ها ندارد. عاملی که حاکم بر ظهور *-g* در این مورد است شرایط آوایی حاضر در زنجیر گفتار نیست بلکه شرایط توأم صرفی و آوایی تکواژهای رو در رو است، به این معنی که صامت *-g*- تنها قبل از بعضی تکواژهای صرفی خاص مانند *-ân* جمع و *i*- مصدری و غیره و بعد از بعضی مصوت‌های خاص به کار میرود و بس، مانند *bande-g-ân* (بعد از *e* و قبل از *-ân*)، *tešne-g-i* (بعد از *e* و قبل از *i*-).^{۱۱} بعد از *e* و قبل از سایر پسوندها و تکواژها، هرچند از نظر شرایط آوایی با پسوندهای یاد شده یکسان باشند، این صامت به کار نمیرود. مثلاً بعد از *e* و پیش از *i*- نکره و *i*- ضمیر (شناسه) صامت‌های *-y*- یا *-ʔ*- به کار میروند که مناسب با شرایط آوایی بافت *e-i* است نه صامت *-g*-: خانه‌ای (يك خانه)، بیگانه‌ای (تو بیگانه‌ای) و غیره.

ما در زیر نخست صامت‌های میانجی ای را که حضور آنها وابسته به شرایط آوایی کلام است بررسی میکنیم، سپس به مطالعه صامت‌هایی میپردازیم که کاربرد آنها به عنوان صامت میانجی به شرایط صرفی - آوایی تکواژهای رویاروی بستگی دارد. دسته اول را صامت‌های میانجی آوایی و دسته دوم را صامت‌های میانجی صرفی - آوایی مینامیم. صامت‌هایی را که کاربرد آنها تنها وابسته به بعضی مقولات صرفی زبان است به دلیل محدود بودنشان در ضمن صامت‌هایی میانجی صرفی - آوایی بررسی کرده‌ایم. گونه‌ای از فارسی که در اینجا توصیف شده فارسی نوشتاری است و تنها در مواردی که در فارسی نوشتاری مثالی یافت نشده و در پاره‌ای موارد معدود دیگر از فارسی گفتاری تهران مثال آورده شده که به آن اشاره شده است.

۱- صامت‌های میانجی آوایی. صامت‌های میانجی آوایی فارسی معاصر عبارت‌اند از *-y*، *-w(v)*، *-h*- و *-ʔ*-. این صامت‌ها، چنانکه قبلاً به آنها اشاره شد، هر کدام در بافتهای آوایی خاصی به کار میروند. ما در زیر این بافتها را به تفصیل مورد بررسی قرار میدهم اما قبل از وارد شدن در این بحث تفصیلی به ذکر يك نکته کلی در مورد نحوه تلفظ صامت‌های میانجی میپردازیم.

۱۱. برای موارد استثنائی دیگر، ر.ک. ۲-۱.

از میان صامت‌های چهارگانه فوق صامت -h- در تمام موارد استعمال خود به صورت کامل و مانند مواردی تلفظ می‌شود که این صامت به عنوان واج به کار می‌رود. صامت -y- نیز در بیشتر موارد به صورت کامل تلفظ می‌شود، اما وضع دو صامت -' و -w- از نظر تلفظ با دو صامت یاد شده در بالا کاملاً متفاوت است. این دو صامت در اکثریت موارد به صورت خفیف و گاه به شکل بسیار خفیف تلفظ می‌شوند به طوری که بعضی از مؤلفان آنها را ندیده انگاشته و یا اینکه تصور کرده‌اند که در این گونه موارد دو مصوت بدون هیچ گونه واسطه در کنار هم قرار می‌گیرند. طیف نگارهایی که از صامت همزه در این گونه موارد گرفته شده نشان می‌دهد که این صامت به شکل نوعی لرزش در محل تارهای صوتی یا چاکنای ادا می‌شود و با تلفظ معمولی آن که به حالت انسداد و انفجار در چاکنای رخ می‌دهد متفاوت است. تفاوت این لرزش با لرزشی که هنگام تلفظ مصوتها در تارهای صوتی ایجاد می‌شود در تعداد و نظم تواتر این ارتعاشات است، به این معنی که در تلفظ همزه تعداد ارتعاشات تارهای صوتی در ثانیه کمتر و تواتر آنها نامنظم تر است در حالیکه در مورد مصوتها ارتعاشات تارهای صوتی منظم تر و تعداد آنها در ثانیه بیشتر است.^{۱۲}

تلفظ -w- نیز در مواردی که بسیار خفیف ادا می‌گردد با گوش به سختی درک می‌شود اما کافی است که هنگام تلفظ آن، گوینده دست خود را روی لبهای خود بگذارد تا بیرون آمدگی لبها را که خاص این تلفظ است حس کند.

در کلیه مواردی که صامت‌های میانجی خفیف تلفظ می‌شوند باید در بالای سطر نوشته شوند مانند مثال زیر: zâ'w, اما ما در این مقاله به دلایل فنی این روش را به کار نبسته‌ایم.

۱-۱- در بافت‌هایی که مصوت اولی -i- است تقریباً در همه موارد صامت میانجی -y- به کار می‌رود و تنها در يك مورد کاربرد همزه نیز امکان پذیر است. این بافتها عبارت‌اند از:

bâzâri-'/y-i (بازاری)	مانند	i-i
sini-y-emân (سینی‌مان)	مانند	i-e
bozorgi-y-aš (بزرگیش)	مانند	i-a
rowhâni-y-un (روحانیون)	مانند	i-u
mâhi-y-o (ماهی و...)	مانند	i-o
sepâhi-y-ân (سپاهیان)	مانند	i-â

۱۲. رك. حق شناس، «نقش‌های دوگانه همزه...»، ص ۳۴. سی تی اسکات حالت تارهای صوتی را در این موارد انقباض چاکنایی (glottal stricture) نامیده است رك. 'syllable structure of Tehran Persian', *Anthropological Linguistics*, 6/1, 1964, p. 29.

این تلفظ همزه همان است که دستورنویسان آن را «همزه ملینه» نامیده‌اند.

تنها در بافت i-i بجای -y، صامت -' نیز ظاهر میشود و این استعمال بیشتر از استعمال -y- است. بنابراین میتوان گفت که در بافتهای فوق مصوت اول تعیین کننده شکل آوایی صامت میانجی است.

تلفظ -y- در بافتهای فوق خفیف است.

۲-۱- در بافتهایی که مصوت اول از دو مصوت e است صامتهای -y، -w، -'، و -h- به کار

میرود، بدین شرح:

در بافت e-i صامت -' یا -y- ظاهر میشود، مانند sâve-'y-i (ساوه‌ای، ساوه‌یی)، mohâvere-'y-i (محواره‌ای / یی) و غیره. تنها استثنا در این مورد چند کلمه «هفتگی، خانگی، خانوادگی، همیشگی، همگی و جملگی» است.^{۱۳} تلفظ صامتهای میانجی در بافتهای فوق خفیف است.

در بافت e-e صامت -h- یا -' ظاهر میشود، مانند be-h-eš (بهش = به او) (گفتاری)، xâne-'emân (خانه‌مان) و غیره

در مورد بافتهایی که e دوم آنها نشانه اضافه است، ر.ک. ۲-۲-۱.

در بافت e-a صامت -' ظاهر میشود، مانند nâme-'at (نامه‌ات)، xâne-'ast (خانه است) (آمده است) و غیره.

در بافت e-u صامت -w- یا -' ظاهر میشود، مانند gerye-'w-u (گریه او)، se-'ul (سنول، پایتخت کره). تلفظ -w- در این مورد معمولاً بسیار خفیف است. تلفظ همزه نیز غالباً خفیف و به صورت لرزشی است.

در بافت e-o نیز -w-، -v- یا -' ظاهر میشود. استعمال -' ظاهر را منحصر به کلمات قرضی اروپائی است: xâne- v/w-o (خانه و...)، te -' ori (تئوری)، vide-'o (ویدئو) و غیره. در اینجا نیز تلفظ صامتهای میانجی خفیف است. نکته دیگری که در این مورد شایان ذکر است این است که کلمه «تئوری» سابقاً به شکل ti-y-ori (تیوری) تلفظ میشد یعنی صامت میانجی آن -y- بود و در آن به جای e مصوت i به کار میرفت. کلمه «ویدئو» نیز گاهی امروز به صورت vidi-y-o (ویدیو) تلفظ میشود که از نظر صامت میانجی و کاربرد مصوت i، مشابه کلمه «تیوری» است.

۱۳. در فارسی خراسانی و فارسی بخارایی مثالهای استعمال -g- قبل از i- نسبت بیشتر از فارسی نوشتاری و فارسی گفتاری تهرانی است. مثالهای خراسانی: قهوه‌گی، سرمه‌گی، پسته‌گی (ر.ک. دکتر احمدعلی رجائی، یادداشتی درباره لهجه بخارائی، مشهد ۳-۱۳۴۲، ص ۵۰-۱۴۹)، و نیز کلمات مکه‌گی، اداره‌گی و غیره. مثالهای بخارائی: تخته‌گی، سرمه‌گی، سیه‌خانه‌گی، ر.ک. رجائی، همان، ص ۱۴۹. در متون قدیم فارسی کلمات «پردگی»، «خاصگی» و «خیمگی» نیز به کار رفته است.

در کلمهٔ sevvom (سوّم) صامت میانجی -v- به قیاس با صامت مکرّر v در کلمات «دوّم» و «اوّل» تکرار شده است. این کلمه به صورت seyjom نیز به کار میرود که صامت میانجی آن -y- است. این صامت نیز به قیاس با کلمهٔ «دوّم» مکرر شده است. در بافت e-â صامت -'ـ ظاهر میشود: te-âtr (تئاتر، تآتر). این کلمه سابقاً به صورت tiyâtr (تیاتر) به کار میرفت که صامت میانجی آن -y- است و قبل از آن به جای e، i به کار رفته است.

۳-۱. بافت‌هایی که مصوت اول آنها a است در فارسی امروز بسیار کم است و جز تکواژ «نه» کلمهٔ دیگری که به مصوت a پایان پذیرد در فارسی نیست. این کلمه هنگامی که با حرف عطف -o- با تابع خود همراه گردد به صورت na-w-o nu (نه و نو) تلفظ میگردد که صامت میانجی -w- با آنها به کار رفته است و تلفظ آن نیز خفیف است.

۴-۱. در بافت‌هایی که نخستین مصوت آنها u است صامت‌های میانجی -y-، -'ـ و -w- به کار میرود، بدین قرار:

در بافت u-i صامت میانجی -w-، -'ـ یا -y- است: doru-'y-i (دورویی، دورویی)، dastšu-'i (دست شوئی)، su-w/'-is (سویس) و غیره.

در بافت u-e صامت میانجی -w- یا -'ـ است، مانند ru-w-e (روه = رویه) (گفتاری)، tarsu-w-e (ترسوه = آن (شخص) ترسو، (او) ترسو است) (گفتاری)، su-'-w-ez (سوئز) و غیره

در بافت u-a صامت -w- به کار میرود: âhu-w-ast (آهو است) و غیره. برای بافت u-u مثالی به نظر رسید اما قاعدتاً در این بافت نیز باید صامت -w- به کار رود. در بافت u-o صامت میانجی -w- است: kâhu-w-o (کاهو و...) و غیره. در بافت u-â نیز صامت میانجی -w- است: bâzu-w-ân (بازوان)، âhu-w-ân (آهوان) و غیره.

چنانکه دیده میشود در پنج مورد از شش مورد بالا، که مصوت اول از دو مصوتِ رو در رو است، این مصوت تعیین‌کنندهٔ شکل صامت میانجی است. تنها در يك مورد، یعنی در بافت u-i، مصوت دوم شکل صامت میانجی را معین میکند. در کلیهٔ این موارد صامت میانجی خفیف تلفظ میشود.

۵-۱. در بافت‌هایی که نخستین مصوت o است صامت میانجی -w-، -'ـ یا -y- است، بدین صورت:

در بافت o-i صامت میانجی -'ـ است: râdiyo-'i (رادیویی)، man-oto-'i (من و توئی) و غیره.

در بافت o-e صامت میانجی -w- یا -' - است: mâl-e to-w/'-e (مال توه = مال تو است)،
râdio-'-emân (رادیومان).

در بافت o-a صامت میانجی -w- یا -' - است: mâl-e-to-w/'-ast (مال تو است)
râdio-w/'-am (رادیوام) و غیره.

در بافت o-u نیز باید صامت میانجی -w- باشد اما مثالی به نظر رسید.^{۱۴}
در بافت o-o صامت میانجی -w- یا -v- است: to-w/v-o man (تو ومن) و غیره. در کلمه
do-vv-om (دوم) صامت میانجی به قیاس با v در کلمه «اول» مکرر شده است.
در بافت o-â نیز صامت میانجی -w- یا -v- است: hardo-w/v-ân (هر دوان).
در سه مورد اول از شش بافت فوق صامت میانجی خفیف تلفظ میشود.

۱-۶ در بافتهایی که اولین مصوت آنها â است صامت میانجی -' -، -y-، -w- یا -h- است، بدین
قرار:

در بافت â-i صامت میانجی -' - یا -y- است: bâlâ-'/y-i (بالائی، بالایی)، pâ-y/'-in (پایین،
پائین) و غیره. در کلمات pâ-y/'-iz (پائیز) و â-y/'-in (آئین) صامت میانجی -y/'- در وسط کلمه
به کار رفته است. در کلمه بیگانه Tâ-'-is (تائیس، نام خاص) صامت -' - به کار رفته که معمولاً
-y- به جای آن به کار نمیرود.

در بافت â-e صامت میانجی -h- است: âqâ-h-e (آقاهه) (گفتاری) و غیره.
بعضی محققان y در کلمات عربی الاصلی مانند «فایده»، «دایم» و غیره را که تلفظ ایرانیان
به جای همزه اصلی است صامت میانجی تلقی کرده اند.^{۱۵} این نظر مسلماً درست نیست، زیرا
همزه (یا -y-) در این کلمات با واجهای دیگر در تقابل است و بنابراین ممیز معنی است. مثلاً
در کلمه «فانده»، واج s میتواند جانشین همزه یا y شود و کلمه «فاسده» را به وجود بیاورد، یا در
کلمه «سائل» h (ح) میتواند جانشین همزه یا y شود و کلمه «ساحل» را بسازد.
در بافت â-a صامت میانجی -' - یا -y- است: dâ-nâ-'/y-and (دانانید، دانااند). کاربرد -y-
در اینجا کهنه‌گرایانه است.

در بافت â-u صامت میانجی -' - یا -w- است: zâ-'/w-u (زائو). در کلماتی که در اصل
دارای صامت v هستند مانند «طاووس»، «داود»، «قاوت» و غیره نیز به جای v همزه یا w به کار
میرود: tâw/'us، dâw/'ud، qâw/'ut.

۱۴. در قم کلمات «شاغول»، «قاوت» و «کاهو» به صورت ko(w)u و qo(w)ut، ðo(w)ul به صورت
بافت o-u هستند و صامت میانجی -w- در آنها با تلفظ بسیار خفیف به کار رفته است.

15. G. Lazard, *Grammaire du persan contemporain*, Paris 1957, p. 27,

که مثالهای «خاین» (!) و «فایده» را آورده است.

در بافت $\hat{a}-o$ صامت میانجی $w-$ یا $-'$ است: $m\hat{a}-w-o\ \text{šom}\hat{a}$ (ما و شما)، $M\hat{a}'-o$ (مائو، اسم خاص).

در بافت $\hat{a}-\hat{a}$ صامت میانجی $-h$ است: $b\hat{a}-h-\hat{a}\ \text{š}$ (باهاش = با او) در اینجا a در شناسه $\hat{a}\ \text{š}$ - تحت تاثیر \hat{a} در کلمه «با» به \hat{a} بدل شده است.

در کلیه موارد بالا، باستثنای بافت $\hat{a}-\hat{a}$ و $\hat{a}-e$ که در آن صامت میانجی $-h$ به کار می‌رود، و بافت $\hat{a}-a$ که در آن $-y$ به کار می‌رود، صامتهای میانجی خفیف تلفظ میشوند.

۷-۱. بافتهایی که اولین مصوت آنها ow است وضع خاصی دارند، به این معنی که این مصوت، هنگامیکه قبل از مصوت دیگری قرار میگیرد، غالباً به دو بخش تقسیم میشود و بخش دوم آن میان بخش اول و مصوت آغاز هجای بعد به عنوان صامت میانجی به کار می‌رود. در اغلب این بافتها به جای $-w$ ، صامت $-v$ نیز میتواند به کار رود. در پاره‌ای از موارد نیز جزء دوم حذف میگردد و $-y$ جای آن را میگیرد. اینک بافتهایی که اولین مصوت آنها ow است:

$jelo-w/v-i, \text{parto}-v-i$	$ow-i$
$jelo-w/v-e, mo-w-est\hat{a}n$	$ow-e$
$jelo-w-a\ \text{š}$	$ow-a$
$jelo-w-o \ 'aqab$	$ow-o$
$xosro-w/v-\hat{a}n$	$ow-\hat{a}$

در دو بافت $ow-i$ و $ow-e$ به جای $-w$ ، $-y$ و $-'$ نیز به کار می‌رود: $jelo-y/'-i$ (جلوی، جلویی)، $no-y/'-i$ (نویی)، $jelo-y-e$ (جلوی).

لازم به یادآوری است که در کلمات نوشتاری ادبی به جای $-w$ غالباً و در بعضی موارد منحصر $-v$ به کار می‌رود: $no-v-in$ (نوین)، $j\hat{o}-v-in$ (جوین) $xosro-v-\hat{a}n$ (خسران). در کلیه موارد بالا $-w$ با گردی مختصری در لبها تلفظ میشود.

۲- صامتهای میانجی صرفی- آوایی. مهمترین صامتهای میانجی صرفی- آوایی زبان فارسی معاصر عبارت‌اند از: $-g$ ، $-y$ ، $-t$ ، $-d$ ، $-j$ و $-v$.

۱-۲. صامت $-g$. این صامت در سه مورد زیر به کار می‌رود:

۱-۱. بعد از مصوت e و قبل از پسوند جمع $\hat{a}n$ ، مانند $bande-g-\hat{a}n$ (بندگان)، $set\hat{a}re-g-\hat{a}n$ (ستارگان)، و غیره. استعمال $-g$ در این مورد صد در صد قیاسی است و کلمات عربی الاصل را نیز در بر میگیرد، مانند $sefle-g-\hat{a}n$ (سفلگان).^{۱۶} کلمات قرضی دیگر نیز

۱۶. در شعر زیر از ملك الشعراء بهار:

سفلگانی که به کاغذ لُفشان کاغذ نه بر در خاتم وزر پرده دیباه زدند
و قس. «سیارگان» در فارسی قدیم.

میتوانند مشمول این قاعده گردند. sarjuxe-g-ân (سرجوخگان). تنها استثنا در این مورد کلمه ši'a-y-ân (شیعیان) است که به جای -g-، -y- در آن به کار رفته است. در این کلمه به جای e- پایانی، در حالت جمع مصوت a ظاهر شده است.^{۱۷}

۲-۱-۲. بعد از مصوت e و قبل از i- مصدری: bande-g-i (بندگی)، tešne-g-i (تشنگی) و غیره. استعمال -g- در این مورد نیز قیاسی است و کلمات عربی الاصل و واژه‌های قرضی دیگر را نیز شامل میشود: talabe-g-i (طلبگی)، amale-g-i (عملگی)، masxare-g-i (مسخرگی) و غیره.^{۱۸}

۳-۱-۲. بعد از مصوت e و قبل از پسوند -âne: bačče-g-âne (بچگانه). برای استعمال -g- در این مورد مثال زیادی در دست نیست.

در کلمه «جداگانه» که مصوت آخر تکواژ اول â است نه e، نیز صامت -g- به کار رفته است.

۲-۲. صامت -y- این صامت در موارد زیر به کار میرود:

۱-۲-۲. بعد از کلیه مصوتها غیر از ow و قبل از تکواژ چسبان e- که علامت اضافه اسمی به اسمی دیگر و علامت اضافه اسم به صفت است: bini-y-e (بینی)، xâne-y-e (خانه)، na-y-e (نه)، patu-y-e (پتوی)، hardu-y-e (هردوی)، âqâ-y-e (آقای). بعد از مصوت i تلفظ -y- خفیف است. این صامت نیز تقریباً جنبه صرفی دارد.

۲-۲-۲. بعد از مصوتهای â و u و قبل از پسوند e- اسم ساز: pâ-y-e (پایه)، lâ-y-e (لایه)، ru-y-e (رویه) mu-y-e (مویه)، do su-ye (دوسویه) و غیره.

۳-۲-۲. بعد از مصوت â و قبل از پسوند جمع -ân: dâna-y-ân (دانایان)، pârsâ-y-ân (پارسیان) و غیره. این قاعده کلمات قرضی را نیز شامل میشود: mollâ-y-ân (ملایان)، âqâ-y-ân (آقایان). تنها استثنا در این مورد کلمه niyâ-k-ân است که به جای -y-، صامت -k- در آن به کار رفته است.

۴-۲-۲. بعد از مصوت u و قبل از -ân جمع: dânešju-y-ân (دانشجویان)، xubru-y-ân (خوبرویان) و غیره. در کلمات زیر به جای -y-، -w- به کار رفته است: bâzu-w-ân (بازوان)، abru-w-ân (ابروان)، niku-w-ân (نیکوان)، bânu-w-ân (بانوان)، âhu-w-ân (آهوان)،

۱۷. شیعیان در اصل جمع «شیعی» منسوب به «شیعه» است اما امروز جمع «شیعه» تصور میشود.

۱۸. در فارسی بخارانی صامت -g- بعد از کلمات مختوم به i و قبل از i- نسبت و مصدری نیز به کار میرود، مانند «قالی گی، ساری گی، شاهی گی» و «راضی گی» (= رضایت) رک. رجائی، همانجا، ص ۱۴۹ و ۱۰۳. در اصفهان بعد از بعضی از کلمات مختوم به i- مصدری، i- نسبت و بعضی مصوتهای دیگر، پسوند i- مصدری به کار میرود و میان آن و مصوت قبلی صامت g حایل میشود: «شلی گی، هاری گی، زودی گی (به همین زودی گی)، فوری گی، حالا گی (از حالا گی)» و غیره.

jâdu-w-ân (جادوان)، gisu-w-ân (گیسوان)، hendu-w-ân (هندوان). صامت میانجی هشت کلمه اخیر آوایی است (رك. ۱-۴) و خفیف تلفظ میشود. گاهی نیز به جای -w، -v در این مورد به کار میرود.

۵-۲-۲. بعد از مصوت‌های â و u و قبل از تکواژهای صرفی زیر:

۱-۵-۲-۲. قبل از -ande نشانه اسم فاعل: gu-y-ande (گوینده)، afzâ-y-ande (افزاینده).

۲-۵-۲-۲. قبل از -eš نشانه اسم مصدر: âzmâ-y-eš (آزمایش)، peydâ-y-eš (پیدایش، gu-y-eš (گویش).

۳-۵-۲-۲. قبل از شناسه‌های am، -ad، -and، -am (میگویم)، miju-y-ad (میجوید)، mifarmâ-y-ad (میفرماید).

۴-۵-۲-۲. قبل از ضمائر ملکی: pâ-y-am (پایم)، ru-y-at (رویت)، jâ-y-emân (جایمان) و غیره

۵-۵-۲-۲. قبل از -ân و -â نشانه صفت فاعلی: ju-y-ân (جویان)، gu-y-â (گویا)، sarâ-y-ân (سرایان = سراینده) و غیره

۶-۵-۲-۲. قبل از â- علامت ندا: xodâ-y-â (خدایا).

۶-۲-۲. بعد از پیشوندهای فعلی be و na و قبل از افعالی که با مصوت‌های a، e، o، â شروع میشوند، رك. ۳-۲.

۳-۲. صامت -j-. این صامت در موارد زیر به کار میرود:

۱-۳-۲. قبل از -ât جمع و بعد از مصوت‌های e، i، â و u. کاربرد -j- در این موارد عمومیت ندارد: kâr-xâne-j-ât (کارخانجات)، širini-j-ât (شیرینی جات)، talâ-j-ât (طلاجات)، dâru-j-ât (داروجات).

۲-۳-۲. در چند مورد بعد از e و قبل از -i نسبت به کار میرود: miyâna-j-i (میانجی، منسوب به میانه)، sâvo-j-i (ساوجی، منسوب به ساوه). در کلمه اخیر قبل از -j- به جای e، o و در کلمه اول به جای e، a ظاهر شده است.

۳-۳-۲. در یکی دو مورد با همین تلفظ و نیز با تلفظ ċ بعد از مصوت i و قبل از -i نسبت به کار میرود: anzali-j/ċ-i (انزلیجی، انزلیچی)، پهلوی چی (منسوب به بندر پهلوی، نام بندر انزلی در رژیم سابق).

۴-۲. صامت -t-. این صامت در دو مورد زیر به کار میرود:

۱-۴-۲. بعد از سوم شخص مفرد ماضی نقلی افعال، هنگامیکه بدون فعل معین «است» به کار رفته باشد و قبل از ضمائر متصل مفعولی: zada-t-eš (زدتش = او را زده است)،

borda-t-ešun (بردتشون = آنها را برده است) و غیره.^{۱۹} چنانکه دیده میشود در اینجا به جای e- پایانی اسم مفعول مصوت a- به کار رفته است. کاربرد این صامت میانجی منحصر به زبان گفتار است و جنبه کاملاً صرفی دارد.

۲-۴-۲. بعد از بعضی از کلمات عربی مختوم به e و قبل از پسوند -an (تنوین): qâ'eda-t-an (قاعدتا) omda-t-an (عمدتا). در اینجا نیز هنگام الحاق پسوند، به جای مصوت e-، مصوت a- ظاهر شده است.

۲-۵. صامت -d-. این صامت بعد از حرف اضافه be و قبل از تکواژهای in, ân, u به کار می‌رود: be-d-ân (بدان) be-d-in (بدین) و be-d-u (بدو). این صامت نیز کاملاً جنبه صرفی دارد.

۲-۶. صامت -v-. این صامت در چند مورد بعد از پاره‌ای مصوتها و قبل از i- نسبت به کار می‌رود: kora-v-i (کروی، منسوب به کره)، ganja-v-i (گنجوی، منسوب به گنجه)، qazna-v-i (غزنوی، منسوب به غزنه)، sâra-v-i (ساروی، منسوب به ساری). در این کلمه قبل از -v- به جای i, a ظاهر شده است)، xâja-v-i (خواجوی، منسوب به خواجو xâju). در این کلمه قبل از v به جای u, a ظاهر شده است)، mino-v-i (مینوی، منسوب به مینو). در این کلمه به جای u قبل از -v- مصوت o ظاهر شده است. تلفظ mina-v-i نیز برای این کلمه وجود دارد.

۳- آنچه تا اینجا گفته شد مربوط به کاربرد صامتهای میانجی قبل از تکواژهایی بود که غیر مستقل اند و یا از واژه‌های قرضی شمرده می‌شوند و به همین سبب قبل از مصوت آغازی آنها صامت همزه به کار نمی‌رود. اما هنگامیکه مصوت دوم از دو مصوت رویاروی در آغاز یکی از کلمات مستقل زبان قرار گرفته باشد همیشه قبل از آن صامت همزه به کار می‌رود. این صامت باید قاعدتاً برای پیش‌گیری از التقای مصوتها کافی باشد و در بسیاری از موارد نیز چنین است اما هنگامیکه پیشوندهای فعلی be و na قبل از پاره‌ای از افعال قرار بگیرند همزه آغازی این افعال حذف می‌گردد و به جای آن صامت میانجی دیگری به کار می‌رود. ما در زیر به بررسی این موارد می‌پردازیم.

۳-۱. مواردی که همزه آغازی کلمات باقی میماند. همزه آغازی کلمات در دو مورد زیر باقی میماند:

۳-۱-۱. در کلیه مواردی که تکواژهای زبان برای ساختن واحدهای بزرگتر از کلمه به صورت ترکیب نحوی (گروه، جمله وار، جمله و غیره) در کنار هم قرار می‌گیرند: bā'u (با

۱۹. در قم فعلهای «زدتش»، «بردتشون» و غیره به شکل zâda-ss-eš, borda-ss-ešun و غیره به کار می‌روند که واژه «است» در آنها به شکل -ss- و گاهی -s- باقی مانده و وظیفه صامت میانجی را به عهده دارد.

او، (با احمد)، *bâ 'Ahmad* (به اصفهان) *be' Esfahân* (به اصفهان) *ketâb-e' ostâd* (کتاب استاد) و غیره

۳-۱-۲ در مواردیکه دو تکواژ کلمه مرکب میسازند: *bi-'adab* (بی ادب)، *be-' estelâh* (به اصطلاح)، *be-' onvân-e* (بعنوان)، *bâ-'ân-ke* (با آنکه)، *bâ-' imân* (با ایمان) و غیره. ۳-۱-۳ بعد از پیشوندهای فعلی *be* و *na* و قبل از فعلهایی که با مصوت *i* شروع میشوند، *رك. ۲-۳*.

۳-۲-۲ مواردی که همزه حذف میشود. حذف همزه تنها هنگامی صورت میگیرد که پیشوند فعلی *be* و نشانه نفی *na* قبل از افعالی که با مصوتهای *â, o, a* و *ow* آغاز شده اند قرار بگیرند. صامتی که در این مورد به عنوان صامت میانجی به کار میرود *-y-* است: *bi-y-owbârad* (بیو بارد)، *na-y-afkan* (نیفکن)، *na-y-âmad* (نیامد) و غیره.

چنانکه دیده میشود، در افعال مذکور به جای مصوت *e* در *be* مصوت *i* به کار رفته است.^{۲۰} قبل از فعلهایی که با مصوت *i* شروع میشوند صامت همزه باقی میماند *na'istâd* (نایستاد)، *be-'istad* (بایستد).

کاربرد صامت *-y-* در موارد فوق جنبه صرفی - آوایی دارد.

۲۰. اینکه چرا *e* در پیشوند فعلی «به» در فعلهایی مانند «ببفتند» «ببندازد» و غیره به *i* بدل شده است مسئله‌ای آواشناختی است. علت این تبدیل ظاهراً این است که *e* که مصوتی نیمه بسته است در این کلمات قبل از نیم مصوت *y* قرار گرفته و بسته بودن این نیم مصوت موجب بسته شدن *e* یعنی تبدیل آن به *i* شده است. در فعلهایی مانند «ایستادن» که، در صورتیکه تکواژهای «به» و «نه» قبل از آنها بیاید، با صامت میانجی همزه به کار میروند نه *-y-* این تبدیل دیده نمیشود. تبدیل *e* به *i* در تکواژهای «که» و «چه» قبل از صامت میانجی *-y-* در کلمات «کیم؟» و «کیند؟» و در کلمات *Kiyân* (کیان) جمع *Key* (کی، لقب پادشاهان دومین سلسله اساطیری ایران) و *Kâviyân* (کاویان، کاویانی) منسوب به *Kâve* نیز دیده میشود. در دو کلمه *moqtaziyât* (مقتضیات) جمع *moqtazâ* (مقتضی) و *mohtaviyât* (محتویات) جمع *mohtavâ* (محتوی، محتوا) *â* به *i* بدل شده، به این صورت که ابتدا *â* به *a* بدل شده (و این تبدیل در زبان عربی صورت گرفته)، آنگاه *a* به *e* و *e* به *i* بدل شده است. در فارسی معاصر گرایشی در جهت عکس گرایش فوق نیز دیده میشود، به این معنی که در بسیاری از کلمات، گروه آوایی *-iy-* و ندرتاً *-ey-*، به *-ay-* بدل شده است. این تبدیل به ویژه در بسیاری از کلمات عربی الاصل به چشم میخورد. مثلاً کلمات «ایاب ایالت، ایاس، ایادی» (منسوب به «ایاد») «عیاد، عیال، عیان» و غیره که در عربی با *-iy-* تلفظ میشوند در فارسی با *-ay-* تلفظ شده اند. تبدیل *i* به *a* در کلمات فوق بیشک تحت تأثیر *â* در هجای دوم این کلمات است. این تبدیل در کلمات فارسی الاصل نیز دیده میشود. در کلمه مرکب «پیاپی»، *e* در «پی» اول تحت تأثیر *â* در هجای بعد به *a* بدل شده اما در «پی» دوم که این عامل در کار نبوده به صورت اصلی خود باقی مانده است. تنها استثنا در این مورد کلمه «خیال» است که در عربی به فتح اول تلفظ میشود اما در فارسی با مصوت *i* و با تلفظ *xiyâl* تلفظ شده است. ظاهراً کلماتی مانند «سیاه»، «میان» و غیره در این تبدیل اثر داشته اند.

۳-۳- بعد از جزء *mi-* حذف همزه و باقی ماندن آن هر دو ممکن است، اما موارد حذف همزه و به کار رفتن *-y-* به جای آن بیشتر است. صورتهایی که همزه در آنها باقی میماند کهنه گرایانه است. مثال:

(میآمد) *mi-y-âmad – mi-’âmad* (می آمد)

(میفتاد) *mi-y-oftâd – mi-’oftâd* (می افتاد)

(مینداخت) *mi-y-andâxt – mi-’andâxt* (می انداخت)

قبل از فعلهایی که با مصوت *i* شروع میشوند همزه همیشه باقی میماند: *mi-’istam* (می ایستم).

۴- ملاحظات تاریخی. در بحث از صامتهای میانجی صرفی - آوایی کوشش بر این بود تا این صامتها را در ارتباط با مقولات صرفی زبان و بادید ایستا و در مقطع همزمانی زبان بررسی کنیم. در این قسمت میکوشیم تا به بررسی این صامتها از دیدگاه تاریخی و تحولی بپردازیم و ضمن اشاره به منشأ آنها سیر تحول آنها را نیز تا فارسی امروزه به اختصار از نظر بگذرانیم.

۴-۱- در زبان پهلوی در پایان نزدیک به تمام کلماتی که امروزه به مصوتهای *e* (در مرحله قدیمتر: *a*) نسبت، *u* (در مرحله قدیمتر *ū* و *ō*) و *â* ختم میشوند صامت *g* به کار میرفته است. مثلاً کلمات «بنده پارسی جادو، نیکو و دانا» به صورت *pārsīg, bandag, dānāg, nekōg, jādūg* تلفظ میشده است. این کلمات هنگام الحاق علامت جمع و نشانه اسم مصدر و غیره به آنها به صورت *dānāgih, bandagih, bandagān* و جز آن تلفظ میشده اند و هیچگونه التقای مصوتی پیش نیامده است. از آنجا که صامت *g* در پایان کلمات مزبور قرار داشته و نیروی تلفظی گویندگان در پایان کلمات ضعیف تر از سایر مواضع آن است و به سبب پاره ای عوامل دیگر که جای بحث آن در اینجا نیست این صامت به تدریج ضعیف شده و سرانجام افتاده است. برعکس صورت مفرد کلمات، در مواردیکه صامت مزبور به علت الحاق علامت جمع یا نشانه اسم مصدر و جز آن در میان کلمه قرار میگرفته هیچگونه حذفی رخ نداده و صورتهای *bandagih, bandagān* و غیره کماکان با *g* تلفظ میشده اند. بدین ترتیب بسیاری از کلمات زبان در این دوره دو شکل پیدا کرده اند یکی با *g*، و دیگری بدون آن. قاعده کلی حکم میکند که صورت تحول یافته این کلمات بر شکل قدیمتر و تحول نیافته آنها غلبه کند و *g* در این موارد نیز حذف شود اما عامل مهمی به حفظ *g* در شکلهایی مانند *bandagih, bandagān* و نظایر آنها کمک کرده و آن لزوم جدانگه داشتن مصوتهای این کلمات از همدیگر بوده است. در صورت حذف *g* از صورتهای مزبور این کلمات به شکل **bandān* و **bandāih* و جز آن در میآمده که تلفظ آن مشکل و مخالف قانون زبان فارسی بوده است. بدین ترتیب *g* در این کلمات حفظ شده و وظیفه حائل شدن میان دومصوت به عهده

آن گذاشته شده است و آنچه روزگاری جزء اصلی کلمه بوده، در نتیجه تحول و فراموش شدن تلفظ اصلی کلمه، نقشی ساختی پذیرفته است. از آنجائیکه زبان دارای لایه‌ها و سطوح و اشکال مختلف و لهجه‌های اجتماعی و جغرافیائی متفاوت است و این اشکال مختلف در همدیگر تاثیر متقابل دارند صورتهای زبانی هیچگاه یکدست نیست و از نظم منطقی پیروی نمیکنند. به این سبب میبینیم که g پایانی کلمات «خسته» و «تشنه» هنگام الحاق علامت جمع و نشانه اسم مصدر باقی مانده اما هنگام الحاق i- نسبت از اکثر کلمات افتاده و تنها در معدودی از آنها باقی مانده است (رك. ۱-۲). نظمی که امروز در به کار رفتن g قبل از an- جمع و i- مصدری دیده میشود نیز بیشک محصول عملکرد عامل قیاس بر آنها است، به این معنی که در این دو مورد نیز مسلماً در آغاز امر یکدستی امروز وجود نداشته و احتمالاً در بعضی مناطق و در پاره‌ای موارد صورتهای بدون g نیز به کار میرفته است که به علت فقدان مدارك از قرون اولیه اسلامی از کیفیت آن اطلاعی در دست نیست اما گهگاه اثری از آن در متون قرون بعد دیده میشود. مثلاً کلمات «پختگی»، «تازگی» و «خفگی» در الابنیه عن حقائق الادویه ابومنصور هروی که در قرن پنجم در غرب ایران نوشته شده به صورت «پخته‌یی»، «تازه‌یی» و «خفه‌یی» ضبط شده است. همچنین در ترجمه‌ای از قرآن که احتمالاً در حدود قرن پنجم در منطقه سیستان قدیم نوشته شده و اخیراً دکتر علی رواقی آن را به نام قرآن قدس، به چاپ رسانده کلیه کلمات محتوم به «ه» مانند «تازه، تشنه، جاودانه» و غیره در الحاق به «یا» حاصل مصدر «به شکل «تازه‌ی، تشنه‌ی، جاودانه‌ی» به کار رفته است. در کتابی که ظاهراً در قرن پنجم نوشته شده و به نام پندپیران به چاپ رسیده کلمات «بندگی» و «همسایگی» به شکل «بنده» (= بنده‌ای) و «همسایه» (= همسایه‌ای) آمده است. در قانون ادب حبیبش تفسیری که در قرن ششم در آسیای صغیر نوشته شده و زبان آن به احتمال قوی تحت تاثیر لهجه‌های غرب ایران بوده، کلمات «نرینه» و «کنه» به شکل «نرینه‌یان» و «کنه‌یان» جمع بسته شده‌اند.^{۲۱}

۲-۴- در دسته دیگری از کلمات یعنی کلمات مختوم به a، u و صامت g حتی در شکل جمع و اسم مصدر نیز باقی نمانده و چنانکه دیدیم التقای مصوتها یا با صامت y و یا به كمك w رفع شده است. در تمام کلماتی که به مصوت a ختم میشوند (به استثنای کلمه «نیا»)^{۲۲} و در تعداد

۲۱. الابنیه، به کوشش احمد بهمنیار، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ص ۲۸۵، ۲۸۴، ۲۹۵؛ قرآن قدس، تهران ج ۱، ۱۳۶۴، مقدمه، ص شصت و شصت و یک؛ پند پیران، به کوشش دکتر جلال متینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۷، ص ۱۰۰، ۱۴۷، ۱۶۸؛ قانون ادب، به کوشش غلامرضا طاهر، ج ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، مقدمه، ص یازده.

۲۲. در نسخه‌ای از لغت فرس اسدی طوسی که در دانشگاه پنجاب نگهداری میشود و در حدود قرن دهم از روی نسخه‌ای کهن کتابت شده، ذیل کلمه «کانا»، کلمه «کانانی» در شعر زیر از رودکی به شکل «کاناکی» ضبط شده که در آن

زیادی از کلمات مختوم به *u* التقای مصوتها با *y*-رفع شده است. تعدادی از این کلمات مانند «خدای، پای، روی» و غیره در اصل به *y* ختم میشده‌اند و هنگام الحاق *-ân* جمع و *i*-مصدری به آنها هیچگونه التقای مصوتی پیش نمی‌آمده است. بعدها صامت *y* از این دسته کلمات قیاساً به کلماتی مانند «دانا، ترسا، بازو، مینو» و غیره که در اصل فاقد *y* بوده و به *â* (در پهلوی: *âg*) و *u* (درپهلوی: *ōg* و *ūg*) پایان مییافته‌اند منتقل شده و بدین ترتیب نقش صامت میانجی را پیدا کرده است. سرایت *y* از کلمات دسته اول به کلمات دسته دوم تدریجی بوده و به احتمال قوی کلمات دسته دوم در حالت جمع و الحاق *-i* اسم مصدر تا مدت‌ها در بعضی از مناطق ایران بدون *y* به کار میرفته‌اند.

در بسیاری از متون فارسی که قبل از قرن ششم نوشته شده‌اند مانند تاریخ سیستان و نوروزنامه منسوب به خیام و جامع‌الحکمتین ناصر خسرو و التفهیم بیرونی کلماتی مانند «ترسا، دانا، همتا» و غیره و کلمات عربی مانند «بنا» به شکل «ترسا آن، دانا آن، همتا آن و بنا آن» جمع بسته شده‌اند. املائی «آن» در این کلمات نشان می‌دهد که صامت میانجی در اینجا همزه بوده است. در مرحله انتقال، این کلمات به هر دو صورت جمع بسته میشده‌اند. در نسخه‌ای از تفسیر سورآبادی که جلد اول آن در سال ۱۳۵۳ از طرف بنیاد فرهنگ ایران به صورت عکسی چاپ شده و تاریخ کتابت آن احتمالاً حدود قرن هفتم است کلمه «ترسا» به هر دو صورت «ترسا آن» و «ترسایان» جمع بسته شده است (رک. ص ۳ و ۷ کتاب نامبرده). در این دوره انتقالی وضع کلمات فارسی الاصل با کلمات قرضی عربی نیز تفاوت داشته است. به این معنی که کلمات قرضی عربی بسیار دیرتر از کلمات فارسی با صامت میانجی *-y* به کار رفته‌اند. در ترجمه تاریخ قم که در سالهای ۸۰۵ و ۸۰۶ به فارسی ترجمه شده است کلمات «کدخدا» و «چارپا» به صورت «کدخدایان»^{۲۳} و «چارپایان»^{۲۴} جمع بسته شده‌اند اما کلمات «بنا» و «قنآ» (= کاریزکن) به شکل «بنآآن»^{۲۵} و «قنآ آن»^{۲۶} جمع بسته شده‌اند.^{۲۷}

احتمال تلفظ «کاناگی» نیز میرود:

من سخن گویم تو کاناکی کنی هر زمانی دست بر دستم زنی
این تلفظ که احتمالاً به زمان رودکی بر میگردد نشان دهنده عدم یکسانی در کاربرد *-y* میانجی بعد از کلمات مختوم به *â* در دوره‌های اول زبان فارسی است.

۲۳. کتاب تاریخ قم، به کوشش سیدجلال‌الدین طهرانی، تهران ۱۳۱۳، ص ۱۸۴.

۲۴. همان، ص ۱۶۳، ۱۷۴. ۲۵. همان، ص ۶۰، ۸۱. ۲۶. همان، ص ۴۲، ۸۰.

۲۷. مرحوم دکتر محمد معین در مفرد و جمع و معرفه و نکره (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷، ص ۳۰-۳۱)، تصور کرده است که تلفظهایی مانند «ترسا آن»، «دانا آن» و غیره مربوط به خراسان است. این تصور بیشک نادرست است زیرا در مناطق غربی ایران نیز اینگونه تلفظها رایج بوده است. در کتاب محاسن اصفهان ما فرخی اصفهانی (قرن پنجم) (به

کلمات «ستایش» و «بایست» و نظایر آن نیز در يك دوره و حداقل در بعضی مناطق فارسی زبان بدون -y- و به احتمال قوی با همزه به کار میرفته‌اند. در لطائف الحقایق رشیدالدین فضل‌الله همدانی^{۲۸} این دو کلمه با املای «ستایش» و «بایست» ضبط شده‌اند که احتمالاً نماینده تلفظ *sitā'is* و *bā'ist* است. در این کتاب کلمات عربی «لطائف» و «حقاتق» نیز به صورت «لطایف» و «حقاتق» ضبط شده‌اند که نشان دهنده تلفظ همزه در بافت *ā-i* (در فارسی امروز: *ā-e*) در کلیه کلمات اعم از فارسی و عربی الاصل است. سابقه تلفظ همزه در این گونه موارد احتمالاً به دوره ساسانی میرسد. در عبارتهایی که مولف تاریخ قم از زبان عجم نقل میکند، در اینگونه کلمات به جای «ی»، «ا» به کار رفته است. مراد از زبان عجم در این کتاب زبان پهلوی است و عبارتهایی که در آنجا به این زبان نقل شده به احتمال قوی نماینده تلفظ پهلوی متاخر و یا لااقل یکی از تلفظ‌های آن است. بعضی از این کلمات عبارت‌اند از «افاستی» (= ابایستی)، «بوشام» (= بوشایم، بگشایم) و حتی «سای» (= سایه‌ای). «ا» در این کلمات احتمالاً برای نشان دادن تلفظ همزه به کار رفته است و کلمات مزبور ظاهراً باید چنین آوانویسی شوند: *sā'a'ē*, *bēwišā'a/om*, *aβā'istē*.

-y- میانجی بعد از اجزاء پیشین *ma* و *na* و *be* و قبل از افعالی که با مصوت شروع میشوند نیز منشأ تاریخی دارد. دو تکواژ *be* و *na* در زبان پهلوی با یاء مجهول و به صورت *bē* (بی) و *nē* (نی) تلفظ میشده‌اند. تلفظ این دو تکواژ در دوره‌های بعد تحول یافته و به صورت *be* و *ne* در آمده و *ne* با *ik* تحول دیگر به *na* بدل شده است. تلفظ *ne* هنوز در بسیاری از مناطق ایران متداول است. مثلاً در گویش لری بویر احمدی سه فعل «نیامد» «نیامد» و «نینداخت» به شکل *niyâmad*, *niyâvard* و *niyandâxt* تلفظ میشوند و در فارسی قمی دو فعل «نیامد» و «نیامد» به صورت *ney(u)mad* و *neyvord* متداول است. همچنین در مازندرانی (گویش حسن کیف کلاردشت) فعلهای «نیامردم»، «نیاور» و «نمی‌ارزد» به شکل *niyâr*, *niyârdeme* و *niyârzene* تلفظ میشوند. شکی نیست که یاء مجهول این دو تکواژ موجب ظهور -y- به

کوشش سیدجلال‌الدین طهرانی، تهران: اقبال، [۱۳۱۲ ش، ۱۳۵۲ ق] کلمات زیر که همه نام روستاهای پیرامون اصفهان است با همین املا دیده میشود: یوآن (ص ۸)، جروآن (ص ۹، ۸۱، ۸۹)، انداآن (ص ۳۷)، کماآن (ص ۸۱)، و برآن (ص ۲۲، ۸۱). در کتاب ذکر اخبار اصفهان ابو نعیم اصفهانی (قرن پنجم) (به کوشش سون ددرینگ، لیدن: بریل، ۱۹۳۴)، در کلمات فوق به جای «آن»، املای «ء ان» به کار رفته است. به این صورت: کماءان (ج ۱، ص ۱۶، ۱۷)، جروءان (ج ۱، ص ۱۶، ۱۷)، برءان (ج ۱، ص ۱۷ و ۳۱۷) که به ترتیب به غلط به صورت فراءان و بزءان چاپ شده است). در تاریخ قم (اوایل قرن نهم) نیز چنانکه دیدیم شکل‌های «بنا آن» و «قناءن» به کار رفته است. ۲۸. به کوشش غلامرضا طاهر، تهران: کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، [۲۵۳۵] ۱۳۵۵، ج ۱، مقدمه، ص نه.

عنوان صامت میانجی در بافت‌های مذکور در فوق شده است. صامت -y- بعد از تکواژ ma در افعالی مانند «میاور»، «میفکن» و غیره ظاهراً به قیاس با کلمات «نیاورد»، «نیفکند» و غیره پدید آمده است. در هر حال کاربرد -y- بعد از na و ma در متون فارسی کلیت ندارد و گاهگاه مثالهایی دیده شده است که بدون -y- به کار رفته اند. مثلاً در معارف بهاء ولد فعلهای «نیفتی»، «نیافریند» و «نیبوی» (از فعل «انبویدن» به معنی بویدن) به شکل «نه آفتی» «نه آفریند» و «نه انبوی» ضبط شده^{۲۹} که در آن احتمالاً صامت همزه استعمال شده است.^{۳۰} صورتهای مخفّی مانند «نامد» (نیامد)، «ناورد» (نیاورد)، «مندیش» (میندیش) که در شعر و حتی در نثر^{۳۱} به کار رفته و در آنها یکی از دو مصوت رو در رو حذف شده است نشان دهنده این نکته است که میان این دو مصوت صامت -y- وجود نداشته است. در زبان پهلوی متاخر نیز ظاهراً بعد از ma و قبل از مصوت، صامت همزه به کار میرفته است در تاریخ قم فعل «میندیش» در زبان عجم به شکل «مه اندیش» ضبط شده است.^{۳۲} امروز نیز در بسیاری از گویشهای فارسی میان na و مصوت بعدی، صامت همزه به کار میرود. مثلاً در گویش فارسی روستای جیان از بخش بوانات شهرستان آباءه افعال «نیامد» و «نینداخت» به شکل na'andâxt و no'umad به کار میرود.^{۳۳}

استعمال -y- قبل از کسره اضافه نیز در دوره‌های گذشته زبان مانند امروز عمومیت نداشته است. در بسیاری از متون فارسی کاتبان این -y- را ثبت نکرده اند. مثالهای زیر اندکی از بسیار است: کوزه‌ها بی گوشه = کوزه‌های لسان‌التزیل^{۳۴}، ص ۲۱
بوستانها پیوسته = بوستانهای همان، ص ۱۲
ستاره صبح = ستاره همان، ص ۲۲
سر و گوسفند = سر و مجالس سبعة مولانا^{۳۵}، ص ۵۱

۲۹. معارف بهاء ولد، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ، ۱۳۳۸، ص ۱۴، ۱۴۴، ۱۲۹.

۳۰. فعل «نیندازی» در ص ۱۱۴، احتمالاً تصحیح کاتبان است. در این کتاب بعد از جزء پیشین «ب» همیشه صامت -y- به کار رفته است، مانند «بینداز» (ص ۱۴۰)، «بیفکند» (ص ۱۴۳)، «بیافریند» (ص ۱۴۴) و غیره.

۳۱. در مجمل التواریخ والقصص، به کوشش م. بهار، تهران ۱۳۱۸، ص ۳۱۷، «نیندیشید» به شکل «ندیشید» به کار رفته است.

۳۲. تاریخ قم، ص ۸۲

۳۳. در بعضی از گونه‌های فارسی نیز بعد از -y-، be به کار نمیرود. مثلاً در فارسی افغانی (هرات) «نیامد» و «نیاورد» به شکل nāmad و nāvord به کار می‌روند.

۳۴. لسان‌التزیل، به کوشش دکتر مهدی محقق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۴.

۳۵. مجالس سبعة، به کوشش دکتر توفیق سبحانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.

طعمها بسیط = طعمهای ترجمه تقویم الصحه ابن بطلان،^{۳۶} ص ۶
اجزا زبان = اجزای همان، ص ۷ و ۸.

در اینجا نیز به احتمال قوی يك همزه لرزشی به عنوان صامت میانجی به کار میرفته است که کاتبان به علت ضعیف بودن تلفظ آن، آن را در خور ضبط ندیده اند. در بسیاری از متون فارسی در بافتهای ā-ī (â-i =) و ū-ī (u-i =) نیز اینگونه همزه‌ها ضبط نشده اند، به مثالهای زیر توجه کنید:

ماہیم = مائیم تفسیر سورا بادی، ص ۱۶

روشنایی = روشنائی همان، ص ۱۸

خدایی = خدائی همان ص ۴۲

جای = جائی ترجمه تاریخ طبری،^{۳۷} ص ۵۶

آسیای = آسیائی همان، ص ۵۶.^{۳۸}

دلیل این که قبل از کسره اضافه همزه به کار میرفته ضبط صریح يك نسخه از لغت فرس اسدی (ذیل کلمه «لوچ») است که شاهد آن چنین ضبط شده: آن توء کور و [توء لوچ] و توء کوچ و بلوچ. بنابراین احتمال میرود که املاي همزه بر بالای های غیر ملفوظ یعنی «ه» که امروز غالباً آن را یاء ابتر میدانند در دوره های قدیمتر زبان نشانه همان تلفظ همزه بوده نه -y- و کلمه ای مانند «گوشه» به صورت guše-'-e (در قدیم: gūša-'-i) تلفظ میشده است.

کتابنامه انتقادی

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تنها مؤلفان زیر از التقای مصوتها و صامتهای میانجی در فارسی معاصر بحث کرده اند: ۱- ژیلبر لازار در دستور فارسی معاصر، ص ۳۱-۲۶، بدون پایگاه نظری و بدون تفکیک دقیق صامتهای آوایی از صامتهای صرفی و صرفی-آوایی. بحث وی مر بوط به هر دو صورت فارسی نوشتاری و فارسی گفتاری است و تنها به بخشی از آنچه ما در این گفتار به آن پرداخته ایم ارتباط پیدا میکند. وی معتقد است که در فارسی معاصر، در بسیاری از موارد، دو مصوت بدون واسطه در کنار هم قرار میگیرند. پاره ای از مثالهایی که وی نقل کرده مانند toam, tovam (توأم)، jelavi (جلوئی)، bā-y-am (باہام، بامن) و غیره، غلط و پاره ای دیگر مانند «اینجایم»، «تو خونہیم» و غیره، لهجه ای و محلی است. ۲- ایران کلباسی

۳۶. ترجمه تقویم الصحه، به کوشش دکتر غلامحسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.

۳۷. ترجمه تاریخ طبری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

۳۸. نیز رك. تاریخ سیستان، به کوشش م. بهار، تهران ۱۳۱۳، مقدمه، ص ل و ص ۵۴، ۶۸، ۶۹ و غیره. و مجمل التواریخ والتقصص، مقدمه، ص کو.

در مقاله‌ای با عنوان «آواهای میانجی در فارسی نوشتاری (ادبی)»، در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، شماره ششم، دی ماه ۱۳۵۸، ص ۹۲-۱۰۰. مطالب این مقاله تنها به بخشی از مطالب گفتار ما ارتباط دارد. در اینجا نیز میان صامت‌های آوایی و صامت‌های صرفی و صرفی-آوایی تمایز کامل برقرار نشده و از دیدگاه نظری همین قدر گفته شده که این نوع آواها بنیاد صرفی ندارند و نقش آنها پر کردن خلأ آوایی بین دو مصوت است. ۳- ابوالحسن نجفی در مبانی زبانشناسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران ۱۳۵۸، ص ۵۸-۶۰. مؤلف در این بحث کوتاه، اندکی به مبانی نظری صامت‌های میانجی پرداخته و ضمن آن گفته است که این صامت‌ها ناشی از بافت آوایی-دستوری زبان‌اند، به محور همنشینی تعلق دارند و از نظر دستوری با واج دیگری در تقابل قرار نمیگیرند. ۴- دکتر مهدی مشکوة‌الدینی در ساخت آوایی زبان، مشهد ۱۳۶۴، ص ۱۵۵-۱۱۷، بدون اشاره به صامت‌های آوایی و صرفی-آوایی.

تصحیح و توضیح

ص ۵۲: ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری که ذکر آن در المشتبه ذهبی آمده محدثی بوده است که در سال ۲۵۵ در گذشته است و با مؤلف مورد بحث ما ارتباطی ندارد. رك. ابن ماکولا، الاکمال، ج ۶، حیدرآباد ۱۳۸۶/۱۹۶۷، ص ۱۱۲؛ احمد بن علی خطیب بغدادی، کتاب تلخیص المتشابه فی الرسم، به کوشش سکینه الشهابی، ج ۱، دمشق ۱۹۸۵، ۱۶۶. با این همه مسئله تلفظ کلمه «عتیق» در مورد مؤلف ما به جای خود باقی است.

ص ۹۲: چهار سطر اول ص ۹۲ مربوط به اول صفحه ۹۴ است که در موقع صفحه‌بندی به اشتباه به اینجا آورده شده است.